

Research in Curriculum Planning

Vol 18, No 41 (continus 68)
spring 2021, Pages 73-85

پژوهش در برنامه ریزی درسی

سال هجدهم، دوره دوم، شماره ۴۱ (پیاپی ۶۸)
بهار ۱۴۰۰، صفحات ۷۳-۸۵

Extracting the main characteristics of training curriculum for Employability of senior school Students

Hadi Jamashidi, alireza faghihi, mohammadreza yousefzadeh

¹ PhD student, Department of Educational Sciences, Islamic Azad university, Arak branch, Iran.

² Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad university, Arak branch, Iran.

³ Associate professor at the department of education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

استخراج ویژگی‌های عناصر اساسی برنامه درسی مهارت آموزی دانش آموزان دوره دوم متوسطه

هادی جم شیدی، علیرضا فقیهی^{*}، محمدرضا یوسفزاده

چوسری

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران.

^۲ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران.

^۳ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.

Abstract

The purpose of this paper is to extracting the main characteristics of training curriculum for Employability of senior school Students. A qualitative design with descriptive phenomenology approach was selected to carry out the research. Qualitative research participants are all experts in the field of curriculum planning and skills training. The criterion based sampling method applied in this study and 14 people were involved based on the theoretical saturation as sample size. Interview data were collected through semi-structured. The reliability of the interviews was obtained through Credibility, Transferability, Dependability and Confirm ability. The results of the analysis of the interviews identified 93 basic themes in 4 organizing themes, which are gathered around the comprehensive theme of the training curriculum for the employability of high school students. The research findings identified the components of the skills training program for employability in the form of objective elements (cognitive, emotional and skill), content, teaching and learning strategies and evaluation.

Keywords: Training, Employability, Students, Senior school

چکیده

هدف پژوهش حاضر استخراج ویژگی‌های عناصر اساسی برنامه درسی مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم بود. پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به رویکرد کیفی است. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. محیط پژوهش را تمامی صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی و مهارت‌آموزی تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش ملاک محور است که حجم نمونه بر اساس قاعده اشباع نظری ۱۴ نفر تشکیل می‌دهند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختارمند است. برای سنجش روایی و اعتبار مصاحبه‌ها؛ اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری مورد بررسی قرار گرفته شده است. نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها ۹۳ مضمون پایه را در ۴ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی کرده است که حول مضمون فراگیر برنامه درسی مهارت‌آموزی برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان دوره متوسطه گرد آمده است. یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های برنامه مهارت‌آموزی برای اشتغال‌پذیری را قالب عناصر هدف (شناختی، عاطفی و مهارتی)، محتوا، راهبرد های یاددهی و یادگیری و ارزش‌یابی شناسایی کرده است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال‌پذیری، دانش‌آموزان، دوره دوم متوسطه، مهارت‌آموزی

* نویسنده مسئول: faghihialireza@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

وصول: ۹۹/۰۹/۲۵

یک مهارت به دانش‌آموزان نظری است (Jamalpour & Mousavizadeh, 2012). و لی این طرح به دلیل محدودیت‌های مالی تحقق نیافت و دانش‌آموزان نظری با ضعف‌های مهارتی وارد دانشگاه‌ها شدند و این فرایند معیوب همچنان ادامه دارد. مهارت نوعی توانایی در انسان است که در موقعیت واقعی، ضمن درگیری عملی با موضوع مهارت به کشف عملی و تولید منجر می‌شود. مهارت حاصل یادگیری است و نیازمند درجه‌ای از دانش است (Eravani & marjani, 2015). اصطلاح مهارت مترادف با صلاحیت یا خبرگی و تخصص است و از طریق آموزش از یک فرد به فرد دیگری انتقال می‌یابد (Shah, Burke & Fischer, 2001).

مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای تصدی یک حرفه می‌تواند با توجه به نیازهای متغیر بازار کار در طول زمان تغییر یابد و نیازمند به‌روزرسانی باشد. با استناد به گزارش‌های بین‌المللی آموزش و یادگیری در سازمان‌های آموزشی باید نیاز محور باشد و همیشه به دنبال مرتفع کردن نیازهای افراد باشد (Martin & eegan, 2018). ارتقاء اثربخشی برنامه درسی مهارت‌آموزی نیازمند تدوین دوره‌های آموزش رسمی، غیررسمی و آزاد متناسب با نیازهای فراگیران و یادگیری در محیط‌های واقعی کار است (Atkinson, 2016)؛ این فرایند کمک می‌کند نیازهای فراگیران در محیط بیرونی شناسایی شوند و در سازمان‌های آموزشی متناسب با آن برنامه‌های آموزشی طراحی و اجرا شود. مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار، خلاقیت و شناخت فرصت، آشنایی با مهارت‌های گفت‌وگو اصول و فنون مذاکره و نوشتن طرح کسب‌وکار و شناخت فرصت‌های کسب‌وکار از جمله مهارت‌هایی است که می‌توان در زمینه ایجاد اشتغال یا مهارت آموزشی فراگیران به آن توجه شود. موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از

مقدمه

مهارت‌آموزی و اشتغال‌پذیری فراگیران به‌عنوان یکی از دغدغه‌های حال حاضر سیستم آموزش در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر است. در ایران، اولین نظام رسمی آماده‌سازی افراد برای اشتغال در سال ۱۲۶۸ هجری قمری بنا شد و با احداث دارالفنون نخستین قدم در راه اشاعه علوم و فنون جدید برداشته شد (Navidi, 2012). شکافی مهارتی ایجاد شده بین نیازهای مهارتی بازار کار و آموزش‌های ارائه‌شده توسط سیستم‌های آموزشی مسئله‌ای مورد توجه در نظام‌های آموزشی دنیا است و این عدم تعادل باعث به چالش کشیده شدن اثربخشی برنامه‌های درسی مهارت‌آموزی است (Özer & Suna, 2020).

بعد از انقلاب اسلامی در ایران توجه به مهارت‌آموزی در سیستم‌های آموزشی به اجرای "طرح کاد" در دبیرستان‌ها برمی‌گردد. «کاد» مخفف کار و دانش است؛ طرحی که از سال ۶۱ تا سال ۷۳ در دبیرستان‌ها اجرا شد و هدف آن حرفه‌آموزی به دانش‌آموزان بود و دولت وقت نیز توجه ویژه‌ای به طرح کاد داشت. بر اساس طرح کاد دانش‌آموزان دبیرستانی ساعت‌هایی در هفته را خارج از محیط مدرسه به فعالیت‌های عملی مشغول می‌شدند؛ اما این طرح با وجود مزایایی که داشت پس از چند سال کنار گذاشته شد (Ghaffari et al., 2018). طرح‌هایی دیگری چون آموزش مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان (که‌ها^۱)، طرح ایران مهارت^۲ و طرح کارانه اشتغال جوانان (کاج^۳) از جمله طرح‌هایی است که در سال‌های اخیر با هدف افزایش مهارت‌آموزی جوانان در دانشگاه‌ها دنبال می‌شود (Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare, 2018). یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه‌ای کشور و همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزش

۱. دوره که‌ها دوره‌ای خارج از برنامه‌های آموزش رسمی دانشگاه‌ها در ایران است که با هدف فراگیری دانش و مهارت‌های لازم در یکی از رشته‌های مرتبط بصورت بین‌رشته‌ای در رشته‌های مختلف اجرا می‌شود.
 ۲. طرح ایران مهارت عنوان طرحی ملی با هدف ارائه دوره‌های مهارتی آموزشی برای دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه است و هدف کلی از اجرای این طرح ایجاد روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان و شکوفایی استعدادها است.
 ۳. طرح کاج با هدف مهارت‌آموزی در محیط واقعی کار به منظور اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان از سال ۱۳۹۶ اجرایی شده است.

آموزش و پرورش با استفاده از ظرفیت‌های خود می‌تواند دانش‌آموزانی ماهر تربیت کند تا توان اشتغال پذیری، توانمندی‌ها و مهارت‌های شغلی را داشته باشند. ابعاد مهارتی و توانمندی شغلی شامل بعد عمومی؛ بعد شناختی؛ بعد شخصیتی؛ بعد اجتماعی-ارتباطی؛ بعد اجتماعی-هنجاری؛ بعد راهبردی است (Van Zolingen, 2002). نظام‌های آموزشی کارآمد برنامه‌های آموزش شغلی اثر بخش، طرح‌ها و راهبردهای به‌هم‌پیوسته و منسجمی را تدوین، اجرا و نظارت می‌نمایند که در مجموع، خودکفایی و تداوم شغلی و کارآفرین بودن فرد را تأمین می‌کند (Dutta, Gervey, Chan, Chou & Ditchman, 2008). موفقیت در کار و شغل به مهارت‌هایی بستگی دارد که فرد در مدرسه می‌آموزد و تلفیق به‌موقع آموزش شغلی و برنامه درسی ویژه، می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند تا درباره مشاغل موجود، مشاغل مورد علاقه و مشاغلی که علاقه‌ای به آن‌ها ندارند، آگاه‌تر گردند (Naraghi et al., 2009). بیکاری به‌عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (Pasbani et al., 2013). در جامعه ما که بیکاری معضل بزرگ اجتماعی برای جوانان محسوب می‌شود همه اذهان را متوجه کسب مهارت‌ها و اشتغال پذیری می‌کند. در سال‌های اخیر و به‌ویژه در حال حاضر، اقتصاد ایران به شکل بحرانی‌گریبان‌گیر این معضل است (seydayi et al., 2011). بیکاری علاوه بر اتلاف منابع انسانی، مسائل و مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به همراه دارد. اتلاف منابع به‌ویژه بیکاری نیروی انسانی دوره گذر توسعه را به یک دوره فرسایشی بدل می‌نماید و دامنه فقر را در جامعه گسترش می‌دهد (Taghdisi et al., 2012).

با وجود تأکیدی که بر تربیت اقتصادی در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش وجود دارد. با این حال عدم وجود برنامه درسی مهارت‌آموزی به‌منظور اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان

اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. با توجه به موارد ذکر شده سیستم‌های آموزشی می‌توانند نقش اساسی در مهارت‌آموزشی به دانش‌آموزان ایفا کنند و مهارت‌های پایه را برای تصدی یک شغل آموزش دهند. در محیط کار، مهارت فقط از طریق آموزش رسمی و یا کارآموزی کسب نمی‌شود بلکه با هر نوع کارآموزی ساختارمند، یادگیری غیررسمی و حتی خودآموزی می‌توان به آن دست یافت (gharoun & entezari, 2011).

امروزه مسئله اشتغال برای جوانان، خانواده‌ها و درنهایت برای دولت‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی تبدیل شده است که به سادگی نحوه زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. اشتغال‌پذیری به مفهوم «امکان به استخدام درآمدن» یا به عبارت درست‌تر، «امکان و ظرفیت یافتن شغل، حفظ و پیشرفت در آن» اشاره دارد. در واقع این مفهوم به توانایی شخص برای به دست آوردن اولین شغل و یا استخدام شدن اولیه وی، حفظ شغل، جابجایی بین نقش‌ها و فعالیت‌های کاری در یک سازمان (Tohidi et al., 2015). اشتغال عاملی است که باعث می‌شود از تمام نیرو توانمندی فیزیکی و فکری انسان استفاده شود و این روند به دنبال خود، آرامش و تمکین جامعه را به دلیل از بین رفتن بیکاری، مسکوت ماندن امر مهاجرت و بالا رفتن درآمد ناخالص ملی در پی دارد (Ghadiri, 2005). مسائل مربوط به اشتغال و بیکاری به‌طور وسیعی در مباحث اقتصادی اعم از کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح است. مسائل فوق‌زمانی که ابعاد آن‌ها با مسائل اجتماعی درآمیزد، اهمیت بالاتری به خود می‌گیرد. مشکل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر مشکلات اقتصادی که به دنبال دارد، باعث بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنش‌های سیاسی می‌گردد که سلامتی یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد (Dehghan, 2001).

توجه به آموزش و مهارت‌آموزی در این استان و تناسب آن در تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار اهمیت به مراتب بیشتری دارد و به مسئله‌ای مهم در استان تبدیل شده است (Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare, 2018). در ادامه برخی از پیشینه‌های مربوط به متغیرهای مورد پژوهش آورده شده است.

خسروی و همکاران (Khoustravi et al., 2012) در پژوهشی آسیب‌های موجود در عناصر برنامه درسی مهارت‌های زندگی را متوجه اهداف، محتوا و زمان آموزشی؛ از دید معلمان، متوجه فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی و زمان و درنهایت از دید دانش‌آموزان، مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی دانستند. تاج‌آبادی و همکاران (TajAbadi et al., 2012) در پژوهشی نشان دادند که آموزش‌های فنی حرفه‌ای هم مهارت‌های خاص مورد نیاز صنعت و هم مهارت‌های عمومی بازار کار را فراهم می‌سازد و همچنین برای شایستگی که به دلیل تغییرات فناوری دچار کاهش کارایی می‌شوند امکان به‌روز شدن و تکمیل مهارت را فراهم می‌کند.

صالحی عمران (Salehi omran, 2013) در بررسی مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزش مهارتی کشور مواردی چون «نبود یک سیاست‌گذار کلان نیروی انسانی در کشور» و «عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه» مهم‌ترین آسیب در بعد ساختاری شناخته شدند. در بعد رفتاری و محتوایی هم مهم‌ترین آسیب عوامل «عدم دسترسی کافی به اطلاعات بازار کار» و «عدم بهره‌مندی نظام آموزش مهارت از منابع انسانی مناسب این نظام» شناخته شدند. در بعد محیطی و زمینه‌ای، عوامل «دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی» و «تقاضامحور نبودن آموزش‌های مهارتی، چالش اصلی آموزش‌های مهارتی است» که جزو مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزش مهارتی کشور قرار گرفتند.

مدارس متوسطه دوم و مغفول ماندن تربیت اقتصادی در کتاب‌های درسی مسئله‌ای قابل توجه در آموزش و پرورش دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم است. به عبارت دیگر آموزش و پرورش متوسطه نتوانسته مفاهیم پیچیده اقتصادی امروز را با مفهوم‌پردازی‌های مناسب به مدرسه منتقل کند تا نسل آینده برای مواجهه با مشکلاتش، بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی تربیت شود (Peyghami & Torani, 2011). بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها دانش‌آموختگان مراکز آموزشی، فاقد توانایی‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز بازار کار هستند؛ به طوری که حتی توان بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی موجود را نیز ندارند (Azizi, 2003)؛ در این حین تصمیمات کارفرمایان در مورد چگونگی ایجاد و تصدی شغل به‌عنوان عوامل اصلی شکاف در یادگیری مداوم مهارت‌آموزی است (Korpi & Tählén, 2018). مهم‌ترین خلأ مهارت‌آموزی کشور عدم هماهنگی آموزش‌ها با نیاز بازار کار، کمبود افراد متخصص برای ارائه برخی از آموزش‌های مهارتی، کمبود تسهیلات مالی و اعتباری است، از دیگر آسیب‌ها عدم به‌روزرسانی امکانات و تجهیزات مورد نیاز آموزش، عدم مواد مصرفی مکفی برای انجام کارهای کارگاهی و همین‌طور عدم حمایت از افراد کارآفرین و نخبه مهارتی است (Khavari & Ghorzin, 2014). در ایران بین نیاز بازار کار و مهارت‌آموزی تعادل مناسبی وجود ندارد و برای حل این مشکل می‌بایست به جای تمرکز صرف بر مفاهیم نظری در کلاس‌های درس بر مهارت‌های شغلی فراگیران تأکید شود (Malik et al, 2019).

در استان همدان عدم اتصال آموزش‌های سیستم‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) با کسب‌وکار واقعی باعث گردیده تا آموزش‌های داده شده در مدارس و دانشگاه‌ها کارایی لازم در کارهای دولتی و در بخش خصوصی نداشته باشد. نرخ بالای بیکاران دارای تحصیلات هستند که اغلب آن‌ها نیز در خود شهر همدان مستقر شده‌اند به نحوی که ۵۰ درصد بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی در شهر همدان حضور دارند؛ بنابراین لزوم

مواد و محتوای آموزشی، مشکلات زیرساخت‌های فناوری، ناسازگاری برنامه‌های آموزشی با نیازهای صنعت، عدم توانایی در سازگاری با تغییر مهارت‌های شغلی، گمراهی در انتخاب رشته حرفه‌ای و مشکلات آموزش مبتنی بر سیستم آموزشی مدرسه شناسایی کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به رویکرد؛ کیفی است. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. محیط پژوهش را تمامی صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی و مهارت‌آموزی تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این بخش از تحقیق روش نمونه‌گیری ملاک محور است که حجم نمونه بر اساس قاعده اشباع نظری ۱۴ نفر تشکیل می‌دهند. در این روش نمونه‌گیری هدف پژوهشگر، انتخاب مواردی است که با توجه به هدف تحقیق، سرشار از اطلاعات باشند (Cerswell, 2017). در جدول زیر مشخصات مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی ارائه شده است.

محمدی و رحمانی (Mohammadi & Rahmani., 2019) در پژوهشی عنوان کردند که تکلیف مهارت محور با پرهیز از حافظه محوری، افزایش نشاط و شوق یادگیری، کاهش استرس مخرب ناشی از تکالیف سنتی، کاهش وزن کیف دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان محسوب شده و موجب تثبیت، توسعه یادگیری مادام‌العمر و افزایش اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان می‌شود.

ملاتی و تیواری (Malati & Tiwari, 2020) عوامل را برای توسعه مهارت شناسایی کرده است که این عوامل شامل ابتکار عمل و مهارت‌های سازمانی، مهارت‌های محل کار، تمرین مهارتی، مهارت‌های شخصی و بین شخصی و تمرین یکپارچه‌سازی می‌شود.

پیتان و مولر (Muller & Pitan, 2020) پژوهشی را در زمینه اشتغال‌پذیری دانشجویان انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد برنامه درسی بیشترین تأثیر را بر درک اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان دارد و در ادامه آن برنامه‌ریزی توسعه شخصی، یادگیری پیشرفت شغلی و تجربه کار بر درک اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

گنگور (Güngör, 2020) در پژوهشی مشکلات موجود در آموزش مهارت‌های شغلی در مدارس را کمبود

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی و اسناد تحلیل شده

۱. معاون آموزش متوسطه اسبق وزارت آموزش و پرورش	۲. رئیس بنیاد نخبگان استان همدان
۳. معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان همدان	۴. رئیس سابق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اراک و هیئت‌علمی دانشگاه
۵. عضو هیئت‌علمی و رئیس خانه فرهنگ دانشگاه بوعلی سینا	۶. عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی همدان رشته برنامه‌ریزی درسی
۷. عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی همدان / آموزش و توسعه کارآفرینی	۸. دکتری برنامه‌ریزی درسی و مدیر سابق دبیرستان دوره دوم متوسطه
۹. مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان	۱۰. دکتری مدیریت آموزشی
۱۱. هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان همدان در رشته برنامه‌ریزی درسی	۱۲. هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان همدان در رشته برنامه‌ریزی درسی
۱۳. عضو برنامه‌ریزی سازمان فنی و حرفه‌ای کشوری	۱۴. مدیر سابق آموزش و پرورش شهرستان کبودرآهنگ

سازمان‌دهنده و پایه استخراج شدند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Jafari et al, 2011). تحلیل مضمون به دلیل انعطاف‌پذیری در فرایندهای تحلیل داده‌ها به‌عنوان روشی ویژه و مفید برای تحقیقات کیفی محسوب می‌شود (Braun & Clarke, 2006). با توجه به موارد ذکر شده تحلیل مضمون می‌تواند روشی مناسب برای تحلیل داده‌های این پژوهش محسوب شود.

یافته‌های پژوهش

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در خصوص برنامه مهارت‌آموزی برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در قالب تحلیل مضمونی بر اساس مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه استخراج شدند. نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها ۹۳ مضمون پایه را در ۴ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی کرده است که حول مضمون فراگیر برنامه درسی مهارت‌آموزی جهت اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان دوره متوسطه گرد آمده است. در جدول زیر نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها آورده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش تحلیل اسنادی فیش‌برداری است. ابزار گردآوری اطلاعات بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختارمند است. در این بخش از پژوهش از مصاحبه نیمه ساختارمند برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. زمان مصاحبه‌ها بین ۲۰ الی ۵۰ دقیقه بر اساس مدت زمان مصاحبه‌های انجام شده است. برای بررسی روایی و اعتبار مصاحبه‌ها از چهار معیار گوبا و لینکون (Lincoln & Guba, 1994) که عبارت‌اند از اعتبار (Credibility) انتقال‌پذیری (Transferability)، اطمینان‌پذیری (Dependability) و تأییدپذیری (Confirm ability) تبعیت شده است. از روش سه‌سویه‌سازی داده‌ها برای سنجش اعتبار اطلاعات استفاده شده است. سه‌سویه‌سازی داده‌ها به این معنی است که داده‌ها را در زمان‌ها، مکان‌ها و از افراد مختلف جمع‌آوری کنیم. اعتبار درونی طولانی کردن فرایند مصاحبه‌ها برای فهم عمیق موضوع، به دست آمده است. انتقال‌پذیری داده‌ها از طریق ارائه مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش محقق شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش از روش کدگذاری و تحلیل مقوله‌ای استفاده شده است و اطمینان‌پذیری داده‌ها از بر اساس تشریح انبوه و غنی داده‌ها یا پرمایگی اطلاعات به دست آمده است. تأییدپذیری اطلاعات از طریق ثبت دقیق مراحل کار حاصل شده است و بر این اساس مضامین فراگیر،

جدول ۳. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها

مضامین پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
کسب دانش، بینش و تفکر خلاقانه	هدف برنامه مهارت‌آموزی	برنامه مهارت‌آموزی به‌منظور اشتغال‌زایی
دانش استفاده از فناوری‌های نوین و پیشرفته		
دانش و مهارت منطبق بر استانداردهای جهانی		
آشنایی با زبان‌های بین‌المللی		
شناخت حرف، مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه		
دانش علمی، مهارتی و پژوهشی دانش‌آموزان		
کسب دانش مهارتی		
درک و فهم مسائل اقتصادی		
دانش استفاده از ظرفیت‌های بومی منطقه		
شناخت پتانسیل‌های فرهنگی و اقتصادی منطقه		
دانش کسب‌وکارهای کوچک		
دانش مدیریت زمان		

مضامین پایه	سازمان دهنده	فراگیر
شناخت شرایط احراز مشاغل	ب ا و ا	
آشنا شدن با نیازهای شغلی جامعه		
آشنایی با مشاغل مرتبط با رشته‌های تحصیلی		
آشنایی با تجاری‌سازی تولیدات		
دانش مدیریت هزینه		
شناخت مبانی، اصول، مفاهیم و فرایند مهارت‌آموزی		
علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کسب مهارت‌های عمومی و تخصصی		
رشد فضائل اخلاقی دانش‌آموزان		
رشد اخلاق حرفه‌ای دانش‌آموزان		
رشد فرهنگ کار و تلاش در بین دانش‌آموزان		
تقویت روحیه کارآفرینی		
تقویت روحیه کاوشگری		
تقویت فرهنگ مهارت‌گرایی		
تقویت روحیه جهادی و خدمت‌رسانی به کشور		
ارتقاء ریسک‌پذیری در بین دانش‌آموزان		
مسئولیت‌پذیری	ب ا و ا	
رشد خودباوری و توانمندی‌های دانش‌آموزان		
توان درک درست از شرایط حاکم بر بازار کار		
توانایی انجام کار در محیط‌های کارگاهی		
توانایی به‌کارگیری فناوری‌های نوین در محیط کار		
مهارت‌های مدیریت اطلاعات		
مهارت‌های کار گروهی		
مهارت‌های فن بیان و بلاغت		
کسب مهارت در حداقل یک رشته تخصصی		
مهارت انتقال آموخته‌ها به محیط واقعی		
مهارت‌های ارتباط با مشتریان		
مهارت‌های متناسب با بازار کار		
مهارت‌های تفکر		
مهارت‌های حل مسئله		
مهارت‌های پایه‌های (مانند ریاضیات)		
مهارت‌های مدیریت و برنامه‌ریزی		
مهارت‌های خود‌یادگیری برای آموزش فناوری‌های به‌روز		
مهارت‌های تولید دانش فناورانه		
آموختن مهارت‌های نرم زندگی	محتوا برنامه مهارت‌آموزی	
محتوای متناسب با بازاریابی		
محتوای مبتنی بر مهارت‌های حرفه‌ای		
محتوای مربوط به مهارت‌های زندگی		
محتوای مربوط به تجارب موفق کارآفرینانه در ایران و جهان		
محتوای نیاز محور بر اساس نیازهای دانش‌آموزان		
دانش نظری مرتبط با مهارت‌آموزی عمومی		
دانش نظری مرتبط با مهارت‌آموزی تخصصی		
تولید محتوای مجازی برای استفاده از منابع تعاملی در حوزه مهارت‌آموزی عمومی و تخصصی مانند نرم‌افزارهای آموزشی موبایل و کامپیوتر، اینترنت، آموزش‌های مجازی و ...		
منابع چندرسانه‌ای در حوزه مهارت‌آموزی عمومی و تخصصی مانند فیلم‌ها و سی‌دی‌های آموزشی		

مضامین پایه	سازمان دهنده	فراگیر	
محتوای لازم برای هدایت حرفه‌ای دانش‌آموزان			
انواع رسانه‌ها مانند چارت‌ها، پوسترها، نقشه‌ها، مدل‌ها، ماکت‌ها، طرح‌های خطی، تابلوها و ...			
تولید محتوای متناسب با ظرفیت‌های بومی مناطق			
تولید محتوای تخصصی در حوزه گردشگری، کشاورزی، صنعت و دامداری مختص استان‌ها			
محتوای نو ارزش‌آفرینی			
محتوای آموزشی متناسب با نیاز دانش‌آموزان دختر و پسر			
معرفی مشاغل گوناگون در جامعه			
شرایط احراز مشاغل			
ارتباط مهارت‌آموزی با زندگی فردی و اجتماعی فرد			
ارائه محتواهای تولید محور			
یادگیری اکتشافی			راهبردهای یاددهی- یادگیری برنامه مهارت‌آموزی
روش‌های مبتنی بر ساختن‌گرایی			
نمایش علمی			
بازدید از مشاغل مختلف به‌منظور آشنایی با مهارت‌ها و کاربرد آن‌ها در جامعه			
شناخت انواع مهارت‌های عمومی و تخصصی از طریق بحث و تبادل نظر			
شرکت در سمینارهایی در خصوص مهارت‌آموزی			
تحقیق در حوزه مهارت‌آموزی به‌منظور شناخت مهارت‌ها			
تمرین مهارت تخصصی در محیط واقعی از طریق کارآموزی یا کارورزی			
محتوای کارگاهی، عملی و آزمایشگاهی			
کلاس‌های فوق‌برنامه مهارتی			
ارتباط مستمر دبیرستان‌ها با هنرستان‌ها			
برگزاری نمایشگاه‌ها به‌منظور ارائه توانمندی‌های دانش‌آموزان در حوزه مهارت‌های کسب‌شده			
تأکید بر دروس عملی و کارگاهی به جای دروس نظری			
انجام پروژه‌های فردی و اجتماعی			
انجام فعالیت‌های عملی و کاربردی در مدرسه یا خارج از مدرسه			
ارائه تکالیف مهارت محور			
یادگیری به شیوه تعامل دوسویه با مربیان و چند سویه با هم‌کلاسی‌ها			
راهبردهای مسئله‌محور	ارزشیابی		
ارزشیابی عملکردی			
ارزشیابی از طریق مشاهده			
ارزشیابی در محیط واقعی کار			
ارزشیابی تلفیقی			
برگزاری رقابت‌های درون‌کلاسی و بین‌مدرسه‌ای			
ارزشیابی مبتنی بر ملاک‌های و معیار استانداردشده			
خودارزیابی			
ارزیابی مبتنی بر رشد مداوم دانش‌آموز			
ارزیابی همتایان			
ارزشیابی شایستگی‌های فنی و غیر فنی			

نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که در خصوص راهبردهای یاددهی و یادگیری مؤلفه‌هایی چون یادگیری اکتشافی؛ روش‌های مبتنی بر ساختن‌گرایی؛ نمایش علمی؛ بازدید از مشاغل مختلف به منظور آشنایی با مهارت‌ها و کاربرد آن‌ها در جامعه و ... استخراج شده است. نتایج مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد یکی از عناصر برنامه درسی مهارت‌آموزی ارزشیابی است و در این سازه مؤلفه‌هایی چون ارزشیابی عملکردی، ارزشیابی از طریق مشاهده، ارزشیابی در محیط واقعی کار، ارزشیابی تلفیقی، برگزاری رقابت‌های درون کلاسی و بین مدرسه‌ای استخراج شده است. برای نمونه مصاحبه‌شونده‌ای شماره ۱۳ در زمینه برنامه مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌پذیری بیان می‌کند:

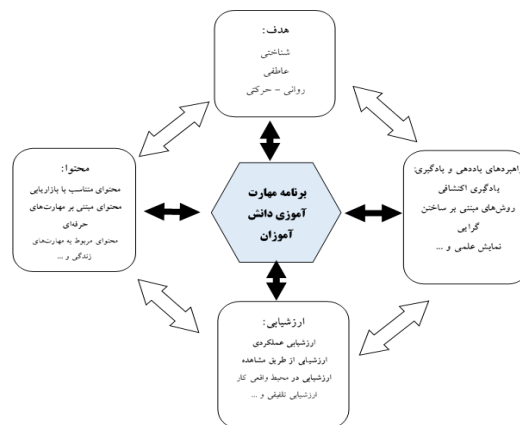
"ارزشیابی در حوزه مهارت‌آموزی باید مبتنی بر روش‌های تلفیقی باشد و در ارزشیابی توجه به عملکرد دانش‌آموز در محیط واقعی کاری یا کارگاهی مدنظر باشد". همچنین مصاحبه‌شونده‌ای شماره ۱۱ بیان می‌کند: "ارزشیابی برنامه مهارت‌آموزی باید بر اساس توانایی‌های کسب‌شده توسط فراگیران، روش‌های عملی و بر اساس ملاک‌های و معیار استانداردشده انجام گیرد". با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان مدل مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه ترسیم کرد.

نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد در بعد هدف برنامه مهارت‌آموزی دانش‌آموزان اهداف شناختی و عاطفی و مهارتی (روانی- حرکتی) مقوله‌بندی شده‌اند. برای نمونه در این زمینه مصاحبه‌شونده‌ای شماره ۴ بیان می‌کند:

"اهداف برنامه مهارت‌آموزی را می‌توان به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم کرد. از جمله اهداف عمومی می‌توان به پرورش قدرت تفکر، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، مدیریت و برنامه‌ریزی، مهارت‌های درون فردی و بین فردی و از جمله اهداف اختصاصی می‌توان به مواردی از قبیل آشنایی با مشاغل مرتبط با رشته‌های تحصیلی، ارائه دانش لازم در خصوص هر یک از مهارت‌های مورد نظر، فراهم کردن فرصت لازم جهت دست‌ورزی یا کار عملی به منظور فراگیری مهارت‌های مرتبط".

در خصوص محتوای برنامه درسی مهارت‌آموزی مؤلفه‌هایی چون محتوای متناسب با بازاریابی؛ محتوای مبتنی بر مهارت‌های حرفه‌ای؛ محتوای مربوط به مهارت‌های زندگی؛ محتوای مربوط به تجارب موفق کارآفرینانه در ایران و جهان و ... استخراج شده است. در این زمینه مصاحبه‌شونده‌ای شماره ۲ بیان می‌کند:

"محتوای آموزشی مهارت‌آموزی به نظر بهتر است شامل مهارت‌های زندگی، نوآوری، خلاقیت، کارآفرینی، نو ارزش‌آفرینی در میان دانش‌آموزان ولی با تأکید بر حل مسائل واقعی جامعه و تمرین آن‌ها است".



شکل ۱. برنامه مهارت‌آموزی جهت اشتغال‌پذیری

بحث و نتیجه‌گیری

بهرتر بتوانند در مسیر یادگیری موفق شوند و آموزش مهارت‌ها، باعث می‌شود دانش‌آموز علائق خود را بشناسد، در آینده با توجه به علاقه خود، شغل مورد نظر خود را پیدا کند و در آن حوزه فعالیت کند. در جوامعی که افراد مهارت‌های پایینی دارند، ارائه و کاربست فناوری و شیوه‌های جدید کار کردن با دشواری همراه است و در حقیقت کیفیت استانداردهای زندگی به دلیل بهره‌وری کم پایین است (Navidi et al, 2018). برای تحقق مهارت‌آموزی در بین دانش‌آموزان توجه به گستره‌ای از مهارت‌ها مدنظر است این مهارت‌ها می‌تواند در قالب برنامه درسی مهارت‌آموزی گنجانده شود.

مؤلفه‌های برنامه مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌زایی دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه در بعد محتوا نشان می‌دهد محتوای مهارت‌آموزی جهت اشتغال‌پذیری می‌بایست مبتنی بر نیازهای دانش‌آموزان باشد و بتواند نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان را در خصوص مهارت‌آموزی برآورده سازد. نتایج این بخش از پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش‌های Malik et al, 2019؛ Mohammadi & Rahmani, 2019 همسو و هماهنگ است.

نتایج پژوهش در حوزه راهبردهای یاددهی و یادگیری بر نامه مهارت‌آموزی راهبرهای مشارکتی، یادگیری در محیط واقعی کار، یادگیری تلفیقی را مورد نظر قرار داده است. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش TajAbadi et al., & Khoustravi et al., 2012 همسو و هماهنگ است. یادگیری مبتنی بر کار (Work Based Learning) می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در برنامه مهارت‌آموزی مطرح شود و به‌عنوان یک استراتژی آموزشی است که دانش‌آموزان را با تجارب کاری واقعی در جایی که می‌توانند مهارت‌های علمی و فنی را به کار گیرند و توانایی استخدام خود را افزایش دهند، فراهم می‌کند (Atkinson, 2016). نتایج پژوهش نشان می‌دهد در حوزه ارزشیابی برنامه مهارت‌آموزی گزاره‌هایی چون ارزشیابی در محیط واقعی کار ارزشیابی تلفیقی، برگزاری رقابت‌های درون کلاسی و بین

هدف از انجام این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های برنامه مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه است. نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش مؤلفه‌های برنامه مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌زایی دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه را در چهار بعد هدف، محتوا، راهبرد‌های یاددهی و یادگیری و ارزشیابی دسته‌بندی کرده است. الگوی مفهومی ارائه شده در این پژوهش نشان می‌دهد عناصر برنامه درسی مهارت‌آموزی در قالب یک سیستم عمل می‌کنند به طوری که هر عنصر به‌عنوان بخشی از کل سیستم شناخته می‌شود و ارتباط دوسویه‌ای را می‌توان بین همه عناصر ترسیم کرد به این معنی که لازمه رسیدن به اهداف مهارت‌آموزی تدوین محتوای مناسب است و البته محتوای مناسب می‌تواند منجر به بازبینی صحیح اهداف نیز شود در خصوص سایر عناصر برنامه درسی مهارت‌آموزی هم این قضیه صدق می‌کند به طوری که بازخوردی که از ارزشیابی دوره گرفته می‌شود می‌تواند در اصلاح و بازبینی سایر عناصر به کار گرفته شود.

مؤلفه‌های برنامه مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌زایی دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه در بعد هدف با بخشی از نتایج پژوهش‌های Salehi omran, 2013؛ Pitan & Muller, 2020؛ Güngör, 2020 همسو و هماهنگ است. انتخاب هدف آموزشی در خصوص مهارت‌آموزی به منظور اشتغال‌پذیری مناسب می‌تواند منجر به تربیت دانش‌آموزانی با مهارت بالا باشد. این اهداف می‌تواند در حوزه‌های عمومی و تخصصی مهارت‌آموزی تدوین شود. اهداف برنامه مهارت‌آموزی می‌تواند با نگاهی جامع‌نگر از نظر عاطفی دانش‌آموزان را در کسب مهارت‌های لازم برای اشتغال‌پذیری آماده سازد. تقویت مفاهیمی چون کاوشگری و مسئولیت‌پذیری می‌تواند منجر به اشتغال‌پایدار و مولد در کشور باشد. هدف‌گذاری در حوزه مهارت‌آموزی مبتنی بر علائق دانش‌آموزان باعث می‌شود دانش‌آموزان

شایستگی‌های فنی دانش‌آموزان می‌تواند در بهبود مهارت‌آموزی در راستای اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان مفید و مؤثر باشد.

منابع

- Atkinson, G. (2016). *Work-Based Learning and Work-Integrated Learning: Fostering Engagement with Employers*. National Centre for Vocational Education Research Ltd. PO Box 8288, Stational Arcade, Adelaide, SA 5000, Australia.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Darvishan, A., Taslimi, M., & Hakimzadeh, R. (2018). Designing an Employability Skills Model for Higher Education Graduates in the Country: A Case Study: Small and Medium Enterprises in Tehran Province. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 10 (19), 7-39.
- Deegan, J. & Martin, N. (2018). *Demand Driven Education, Merging work & learning to develop the human skills that matter*. Retrieved from <https://www.pearson.com>.
- Dehghan, F. (2001). The Role of Employment in Reducing Rural Migration (Case Study of Mashayekh Mamasani County), *M.Sc. Thesis*, Tarbiat Modares University.
- Dutta, A., Gervery, R., Chan, F., Chou, C. C., & Ditchman, N. (2008). Vocational rehabilitation services and employment outcomes for people with disabilities: A United States study. *Journal of occupational rehabilitation*, 18(4), 326-338.
- Ghaffari, A., Ahanchian, M. R., Khallaghi, A. A., & Naderi, M. (2018). The evolution process of the vocational education philosophy in Iranian education system. *Technology of Education Journal (TEJ)*, 12(4), 269-288.
- Ghadiri M., & Mojtaba et al. (2005). Statistical study of employment growth and

مدرسه‌ای، ارزشیابی مبتنی بر ملاک‌های و معیار استاندارد شده و خودارزیابی استخراج شده است. در برنامه مهارت‌آموزی برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان ارزشیابی به‌عنوان آخرین مرحله برنامه مهارت‌آموزی و به‌عنوان بازخورد برنامه مطرح می‌شود و می‌تواند نقاط ضعف و کاستی‌های برنامه مهارت‌آموزی را شناسایی و در حقیقت ارزشیابی مرحله خودارزیابی دانش‌آموزان است. Pitan & Muller, 2020 در پژوهش خود به ارزشیابی تلفیقی و ارزیابی مشارکتی اشاره کرده است و از این منظر با نتایج ارائه شده در این پژوهش هم‌سو و هماهنگ است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد مفهوم اشتغال‌پذیری و مهارت‌آموزی با گذشت زمان از حالت فرد محوری با حالت چندبعدی تغییر رویکرد داده است و مدل‌های ارائه شده در این زمینه گواهی بر این مورد است و در این شرایط دانش‌آموز نیاز دارد محیط پیرامون خود را بشناسد و در موقعیت‌های مختلف، با توجه به آموزش‌هایی که دیده واکتس در دست و منطقی نشان دهد. هرگونه برنامه مهارت‌آموزی در ایران نیازمند بسترسازی مناسب و عزم جدی تمامی سازمان‌ها و به‌ویژه آموزش و پرورش برای عملیاتی کردن اهداف مندرج در اسناد بالادستی مرتبط با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان است. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی برای عملیاتی شدن برنامه مهارت‌آموزی دانش‌آموزان ارائه کرد؛ در خصوص هدف برنامه درسی مهارت‌آموزی برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود اهداف شناختی، عاطفی و مهارتی مانند شناخت حرف، مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه و درک و فهم مسائل اقتصادی و ارتقاء مهارت‌های فنی دانش‌آموزان در برنامه درسی این دوره لحاظ شود. در ادامه برای یادگیری بهتر تولید محتوای متناسب با نیازهای مهارتی دانش‌آموزان باید در اولویت برنامه ریزان دوره دوم متوسطه قرار گیرد. در خصوص راهبردهای یاددهی و یادگیری استفاده از راهبردهای حل مسئله و آموزش در محیط‌های واقعی کار پیشنهاد می‌شود و همگام با ارزشیابی در محیط‌های واقعی کار و مبتنی بر

- developments in rural areas of Isfahan province, *Journal of Geographical Research*, 54: 175-153.
- Güngör, G. (2020). Problems and Solution Suggestions Encountered In Vocational Skill Training In Vocational High Schools: *TEACHERS' VIEWS*. *European Journal of Education Studies*.
- Irvani, S., & Marjani, B. (2015). The place of knowledge in skills training, *culture strategy*, 8 (30): 90-67.
- Jamali, Z., Batool, Nili, M., & Shadfar, H. (2015). explaining the elements of entrepreneurship curriculum in technical and vocational education, *skills training*: 3, (12): 7-21.
- Jamalpour, M., & Musazadeh, E. (2013). Investigating the position of skills training in the comprehensive scientific map of the country. Tehran: *The Second International Conference on Skills Training and Employment in Iran*.
- Karimi, Ma. (2007). The need to develop technical and vocational training based on the needs of the labor market. *Labor Market Weekly*, No. 40.
- Khavari, A., & Gerzin, R. (2014). Pathology of Skills Education System, *Skills Training*, 3 (10): 92-77.
- Khosravi R., Fathivajargah, K., & Ashtiani, M. (2014). Pathology of Life Skills Curriculum in Theoretical Secondary Education System. *Teaching and learning research*. 2 (4): 1-18.
- Korpi, T. & Tåhlin, M. (2018). On-the-job training: A skill match approach to the determinants and outcomes of lifelong learning. Working Paper Series from Stockholm University, Swedish Institute for Social Research.
- Mahmut, Ö. Z. E. R. (2020). Vocational education and training as "A friend in need" during coronavirus pandemic in Turkey. *Bartın Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi*, 9(2), 1-7.
- Ministry of Cooperatives, Labor and Social Affairs. (1396). Youth Employment Plan, Deputy for Entrepreneurship Development and Employment, Ministry of Labor Cooperation and Social Welfare, Tehran.
- Mohammadi, A., & Rahmani, K. (2019). Investigating the effect of skill-based and creative task on the learning rate of elementary students, *Ormazd Research Journal*, 47; 220-231.
- Naraghi, M., Shariatmadari, A., Naderi, E., & Abtahi, M. (2009). Investigating the Empowerment of Job Empowerment in the Curriculum of Students with Mental Retardation, from the Perspective of Staff Experts, *Curriculum Planning Specialists and Relevant Teachers, Educational Sciences*, 2 (5): 135-160.
- Navidi, A. (2014). A Short-sighted Look at the Performance of the Vocational Program, *Skills Training*, 2 (7): 53-67.
- Pasbani, A., Shima S., & Marzieh, M. (2013). A Study of Unemployment and Employment in Recent Years: Factors Affecting Employability, *First International Conference on Political Epic (with an Approach to Middle East Developments) and Economic Epic (with an Approach to Management and Accounting)*, Roodehen.
- Pitan, O. S., & Muller, C. (2020). Student perspectives on employability development in higher education in South Africa. *Education+ Training*. <https://doi.org/10.1108/ET-02-2018-0039>.
- Qharoun, M., & Entezari, Y. (2012). The place of skill training in knowledge-based economic development, *Journal of Industry and University*, 5 (71 and 78), 76-61.
- Sabzeh, Batool. (2015). Designing an Entrepreneurship Curriculum Model for Preschool Children and Evaluating It from the Perspective of Curriculum Specialists, Entrepreneurship and Educators, Quarterly

- Journal of Preschool and Primary Studies*, 1 (1): 117-140.
- Salehi omran, I. (2014). Pathology of the country's skills training management. *Skills training*. 2 (8): 25-48.
- Seidai, S., Kiani, S., & Soltani, Z. (2010). Spatial Analysis of Rural Housing Situation in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Provinces, *Rural Research*, 1 (2): 72-49.
- Tajabadi, Reza; Mohammad R., & Somayeh S. (2013). The Role of Technical and Vocational Education in Entrepreneurship Development and Job Creation, *National Conference of Entrepreneur University (Knowledge-Based Industry)*, Babolsar, Mazandaran University.
- Taqdisi, A., Waresi, H., Ahmadian, M., & Asgari, H. (2014). Identification and analysis of factors affecting the development of tourism in rural areas, a case study: rural areas of Jiroft. *Quarterly Journal of Rural Research and Planning*, 4 (1): 1-14.
- Tiwari, P., & Malati, N. (2020). Employability Skill Evaluation among Vocational Education Students in India. *Journal of Technical Education and Training*, 12(1).
- Touhidi, V., Soroush, A., & Al-Husseini, H. (2015). Investigating the Employability Status of Iranian Youth, *Strategic Studies of Sports and Youth*, 14 (9): 100-129.
- Van Zolihgen, S. (2002). The role of key qualifications in the transition from vocational education to work. *Journal of Vocational Education Research*, 27(2), 217-242.